

“علیه کشتار و قتل عام مردم ایران بیاخیزیم!”

جنایتکار همچنان بر طبل جنگ می‌کوبد و با صلح دشمنی می‌ورزد. او این جنگ لعنتی را “موهبت الهی” می‌داند. “موهبتی” که به رژیم خمینی امکان داد تا دستاوردهای انقلاب را نابود و نیروهای انقلابی و جنبش مردمی را سرکوب سازد، میلیاردها ریال به جیب تجار و سرمایه‌داران بزرگ سرازیر نماید.

جنگ طلبی خمینی تا کنون آنچنان نتایج هولناکی برای مردم ایران به بار آورده است که در تاریخ چند سال اخیر کشور مایی سابقه بوده است. حدود ۲۰۰ هزار کشته و ۱ میلیون زخمی و اسیر که اکثریت عظیم آنان کارگران و دهقانان و بویژه جوانان زحمتکش‌اند، ۳ میلیون آواره جنگی، سوزانیدن حدود نیمی از بودجه سالانه کشور و بخش اعظم اعتبارات عمرانی، فرهنگی، پزشکی و خدمات اجتماعی در تنور جنگ و ارقام نجومی خسارات جنگی و ویرانیهای کشور، تنها بخشی از عواقب دهشتبار جنگ ارتجاعی خمینی و صدام برای مردم ما است. ۶ سال جنگ اقتصاد و صنایع کشور را فلج کرده و بیکاری و گرانی و فقر مرکب‌ری را برای زحمتکشان کشور ما به بار آورده است.

زیبانهایی که مردم ستم‌دیده عراق نیز طی این مدت متحمل گردیده‌اند، به همین نسبت سنگین و مصیبت بار بوده است.

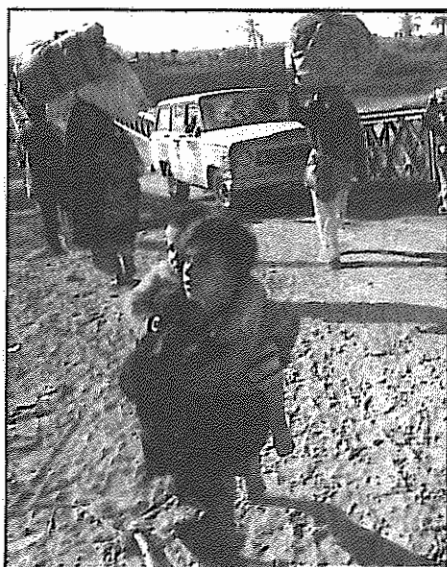
ادامه این جنگ ارتجاعی و تشدید سرکوبگری و جنایات رژیم‌های حاکم بر ایران و عراق، بی‌بوند تنگنا تنگ مبارزات خلق‌های ایران و عراق و نیروهای انقلابی دو کشور را علیه جنگ و علیه رژیم‌های ارتجاعی و استبدادی خمینی و صدام نشان می‌دهد.

بقیه در صفحه ۳

گشت و گذار در شهر

مشاهدات چند روزه یکی از گزاشگران “اکثریت” در شهر تهران

در صفحه ۸



هم میهنان عزیز! مردم ستم‌دیده ایران!

۶ سال است که عفریت جنگ و مرگ و ماتم بر میهن ما چنگ انداخته است. درد و مصیبت هزاران هزار جوان و نوجوان از دست رفته و اسیر و معلول جنگی، همراه باد لهره هر لحظه مرگ و زندگی در زیر ترکش توپ و خمپاره و بمباران، روز و شب ما را سیاه کرده است. آوارگی و بدبختی و دیگر آوارشوم جنگ جان مردم را به لب رسانیده است. اما خمینی

هشتمین اجلاس سران کشورهای غیرمتعدد

* مبارزه با آپارتاید، مسأله کشورهای رشد یابنده و بحرانهای منطقه ای در دستور کار کنفرانس است

از روز دوشنبه اول تا روز جمعه پنجم سپتامبر، رهبران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، در همراه پایتخت زیمبابوه گرد هم می‌آیند. این اجلاس، نشانگر آن است که جنبش عدم تعهد، جستجوی راه‌ها و وسایل تشدید مبارزه علیه آپارتاید و نژادپرستی و بویژه رژیم آفریقای جنوبی را مهمترین موضوع دستور کار کنفرانس امسال خود می‌داند.

امسال مجازات‌های مشترک علیه آفریقای جنوبی

در طرح “برنامه عمل برای همکاری سیاسی و اقتصادی” که برای تصویب به کنفرانس همراه ارائه شده، آمده است: “سیاست تجاوز، خرابکاری و ثبات زدایی آفریقای جنوبی، نمونه آشکار تروریسم دولتی است.” کنفرانس، به ادامه اشغال غیرقانونی نامیبیا توسط رژیم پرتوریا و نیز حملات متقابل آفریقای جنوبی به کشورهای “خط مقدم جبهه” خواهد پرداخت. به احتمال زیاد، کشورهای غیر متعهد انجام اقدامات مشترک علیه آفریقای جنوبی را مورد تصویب قرار خواهند داد. پیش‌بینی می‌شود غیر متعدها مجازات‌هایی اقتصادی علیه رژیم پرتوریا وضع کنند.

بقیه در صفحه ۱۰



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۶۵ برابر با سپتامبر ۱۹۸۶
پهنا ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۲۲

مهاجرت و مبارزه سیاسی

شرایط ترور و خفقان شدید حاکم بر کشورما، اهمیت و نقش مهاجرین سیاسی و فعالیت و مبارزه در خارج از کشور را افزایش داده است. سازمانهای سیاسی انقلابی و مترقی، که مرکز ثقل خود را در داخل کشور و در میان مردم می‌دانند، در عین حال به فعالیت سیاسی در خارج از کشور به مثابه “پشت جبهه” مبارزه علیه استبداد قرون وسطایی می‌نگرند. فعالیت در خارج از کشور، علاوه بر بیاری رساندن مستقیم به مبارزه داخل، دو وظیفه عمده کار در میان توده گسترده ایرانیان مقیم خارج و نیز برانگیختن وسیع‌ترین حد ممکن از همبستگی بین‌المللی با مردم و انقلابیون ایران را در پیش رو دارد. هم اکنون بیشتر نیروها و سازمانهای مترقی و آزادیخواه، با در نظر گرفتن این ضرورت‌ها، بهای لازم را برای مبارزه سیاسی در خارج از کشور قائل می‌شوند. این مبارزه در جهت اهداف یادشده، اینک از ابعاد بی‌برخوردار گردیده که در تاریخ سیاسی معاصر کشور ما بی‌سابقه است. به همین نسبت پیچیدگیها و مسائلی که بایست در رابطه با فعالیت سیاسی در مهاجرت در نظر گرفت، افزایش یافته‌اند.

واقعیت آن است که به علت امکانات عملا موجود مهاجرین سیاسی ایرانی، و نیز امکاناتی که از سالهای

بقیه در صفحه ۲

از رنج آنان که جنگ زده‌ترند

بقیه سرپناهی نیافتند. رفتند و به وسعت حلیی آب‌ها افزودند.

شش سال از آغاز جنگ می‌گذرد. جنگ زدگان شش سال است که آواره هستند. وضع بدتر شده است. چادرها را از آنها گرفته‌اند و خانه‌ها را نیز در همان سالهای آغاز آوارگی. پاداران را در تهران و شهرهای دیگر می‌دید که به آپارتمانهای محل اسکان جنگ زدگان هجوم می‌آورند. جرم جنگ زدگان چه بود؟ آپارتمان ملاک ثروتمندی را به تصرف در آورده بودند. همه این قبیل خانه‌ها را از جنگ زدگان تخلیه کردند. حتی خانه‌هایی را که خودشان به آنها اختصاص داده بودند.

درگیریهای درون حکومتی که در سال ۶۲ یکی از جلوه‌هایش بحث و جدل بر سر ریاست “بنیاد امور

بقیه در صفحه ۹

همه جنگ زده‌ایم، اما اینان جنگ زده‌ترند. سر پناهی داشتند که از گزند سرما و گرما مصونشان می‌داشت. جنگ در رسید و کپرهايشان را، کلیه‌هایشان را و خانه‌هایشان را ویران ساخت. جمعی به خون در غلتیدند و جمعی توانستند خود را از مهلکه دور کنند. بر خیلشان دم به دم افزوده‌تر گشت. چند نفرند؟ ۱/۵ میلیون، ۲ میلیون، ۲ میلیون؟ در آمار دولتی رقم دقیق آوارگان جنگی را نمی‌توان پیدا کرد. از میان مجموعه آمارهای ارائه شده می‌توان شمار آنان را بالای دو میلیون نفر، تخمین زد. لحظه‌ای به عکس مقابل بنگرید، این گونه کانونهای جنگی را پشت سر نهاده. کجا پناهشان دادند؟ برخی در اردوگاههای ویژه اسکان یافتند. به هر خانواده یک چادر کوچک اختصاص یافت. عده‌ای به شهرهای دور و نزدیک کوچیدند و یا کوچانده شدند. نصیب خوشبخت ترینشان خانه‌ای محقر شد.

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

بقیه از صفحه اول

پیش به دلیل حضور دانشجویان ایرانی در خارج وجود داشته است، پخش بزرگی از فعالیتهای سازمانهای مترقی در خارج از کشور، در کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری، و ویژه در اروپای غربی متمرکز شده است. در این کشورها، دهها سال مبارزه جنبش کارگری و سایر نیروهای دمکراتیک، حد معینی از آزادیهای سیاسی و فردی را به سرمایه داری انحصاری حاکم، تحمیل کرده است. مهاجرین سیاسی، می توانند و باید با استفاده از این شرایط، به انجام وظایف خطیری که در قیال میهن و مردمشان برعهده دارند، بپردازند.

اما استفاده از امکانات موجود در دمکراسی های بورژوازی، نباید به هیچ گونه تومی در مورد این نوع نظام سیاسی که در هر حال، شکلی از دیکتاتوری طبقه سرمایه دار است، بیانجامد. احساس مسئولیت انقلابی حکم می کند که مبارزین، نسبت به اهداف و امکاناتی که دشمن طبقاتی در کشورهای امپریالیستی دارد، هشاری خود را حفظ کنند.

مقابله با هرگونه تومی درباره دمکراسی بورژوازی، از دو جنبه حائز اهمیت است. جنبه نخست، جنبه سیاسی آن است. نیروهای بورژوازی در کشور ما نیز از دهها سال پیش "دمکراسی" غربی را به عنوان الگویی برای نظام سیاسی، تبلیغ کرده اند. بویژه در شرایط کنونی، که همه نیروهای سیاسی اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی، "دمکرات" و "آزادیخواه" شده اند، می گویند چنین القا کنند که به دست آوردن آزادیهای سیاسی و فردی جز از طریق استقرار نظامی غرب گرا، ممکن نیست. افشای خصلت محدود و ناپیکر دمکراسی بورژوازی حتی اگر بتواند تحقق یابد - از وظایف درجه اول همه نیروهای انقلابی است. در زیر، باز هم به این نکته خواهیم پرداخت.

جنبه دیگری که بر اهمیت شناخت درست ماهیت دولت بورژوازی می افزاید، امنیت مبارزه مهاجرین سیاسی در کشورهای امپریالیستی است. به این جنبه، تاکنون از سوی سازمانهای سیاسی ترقیخواه ایرانی توجه لازم مبدول نشده است. این سازمانها، که بخشی از فعالیت خود را در محیط کشورهای امپریالیستی، یعنی مرکز کار سرویسهای جاسوسی این کشورها، انجام می دهند، در معرض کنترل و مراقبت و خطر نفوذ از سوی سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی امپریالیستی قرار

دارند.

"جامعه مراقبت کامل"

اصطلاح "جامعه مراقبت کامل" در سالهای اخیر در کشورهای امپریالیستی کاربرد زیادی یافته است. جرج اورول نویسنده ضد کمونیست انگلیسی در سال ۱۹۴۸، رمانی با عنوان "۱۹۸۴" نوشت و در آن، جامعه ای را به تصویر کشید که تحت فرمانروایی نیرویی قدر قدرت است، نیرویی که از همه چیز انسانها، از زندگی خصوصی شان و حتی از اندیشه شان با خبر است و همه چیز را

زیادی، از کنترل مراسلات پستی و مکالمات تلفنی گرفته تا سایر شیوه ها، در اختیار دارد. هشیاری ویژه ای از فعالین سیاسی ترقیخواه می طلبد.

هدف پیگرد و مراقبت

در کشورهایی که دیکتاتوری و شرایط سرکوب حاکم است، مبارزین سیاسی نتایج پیگرد و مراقبت پلیسی را به صورت ضربات دردناک تجربه می کنند. در این کشورها معمولاً از جمع آوری اطلاعات تا به کار افتادن سک های زنجیری برای شکار فعالین سیاسی، زمان زیادی نمی گذرد. یک

مهاجرت و مبارزه سیاسی

فرد مبارز، در بسیاری از موارد نتیجه یک بی احتیاطی کوچک و عدم رعایت موازین امنیتی را با گوشت و پوست خود درمی یابد و بهای آن را خیلی زود می پرداورد.

اما در شرایطی که قلع و قمع انقلابیون، به عللی در دستور کار کوتاه مدت دولت بورژوازی قرار ندارد، اهداف پیگرد و مراقبت پلیسی از خصلت درازمدت برخوردار می شود. سازمانهای اطلاعاتی اطلاعات خود را در باره مبارزین، جمع آوری، تفسیر و تبیین و دسته بندی می کنند. فعال سیاسی، به ندرت با پلیس تماس مستقیم پیدا می کند. این امر، می تواند به کاهش هشیاری بیانجامد. به ویژه آنکه شیوه های پیچیده امروزین در مراقبت و کسب اطلاعات نیز پکنه ای است که سوژه مراقبت، نمی تواند ینا به مشاهدات خود پی ببرد که تحت مراقبت است. تجربه نشان می دهد که همکاری و تبادل اطلاعات پلیس امپریالیستی با رژیم های خونریز و سرکوبگر در "جهان سوم" ضرباتی را به انقلابیون این کشورها وارد کرده است. در دوره حکومت رژیم شاه کوشش چندانی برای پنهان کردن همکاری سازمانهای جاسوسی امپریالیستی با ساواک به عمل نمی آمد و این همکاری حتی به بهانه هایی نظیر "مبارزه با تروریسم" توجیه می شد. پلیس امپریالیستی اطلاعات فراوانی در باره فعالیت سازمانهای سیاسی ترقیخواه ایرانی در مهاجرت در اختیار ساواک می گذاشت و حتی در مواردی، ساواک توانست با استفاده از این اطلاعات، به سازمانهای انقلابی در داخل کشور ضرباتی وارد آورد.

تحت کنترل و مراقبت خود دارد. پیش بینی های اورول که رمان خود را برای خدشه دار کردن چهره سوسیالیسم نوشته بود، اینک به تدریج در کشورهای امپریالیستی تحقق می یابد. زمینه مادی و فنی ایجاد "جامعه مراقبت کامل" را پیشرفت برقی آسای الکترونیک، صنعت کامپیوتر و مخابرات تشکیل می دهد. در سالهای اخیر شاخص هایی مانند حجم حافظه کامپیوترها، سرعت انتقال و فرایند اطلاعات، میزان گسترش شبکه های کامپیوتری و... پیوسته روبه افزایش بوده اند. سرمایه داری انحصاری دولتی، که از ویژگیهای مرحله کنونی آن، گرایش به تمامیت گرایی (توتالیتاریسم) و بسط مداخله دولت سرمایه داری انحصاری به همه عرصه های زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فردی است، بطور روز افزون دانش اطلاعات را در خدمت این هدف خود می گیرد. اگر در گذشته، محدودیتهایی برای حجم اطلاعات ضبط و کلاسه بندی شده در باره شهروندان و سازمانهای سیاسی وجود داشت، اینک در این زمینه دیگر تقریباً حد و مرزی نیست. کامپیوترها قادرند همه اطلاعاتی را که ارگانهای دولتی از هر طریق (از پرونده های مالیاتی گرفته تا کنترل مستقیم پلیس) به دست می آورند، ضبط و دسته بندی کنند. همچنین، شیوه های استراق سمع تکامل یافته اند، به گونه ای که ضبط مکالمات تلفنی و حتی گفتگو در محیط در بسته نیز کاملاً امکان پذیر و عملی است.

گسترده گی روز افزون شیوه های عمل پلیس و سرویسهای جاسوسی که برای کسب اطلاعات امکانات

در حال حاضر، با آنکه چشم انداز روابط جمهوری اسلامی با کشورهای امپریالیستی حاکی از نزدیکی و همکاری فزاینده آنها در آینده است، با توجه به بی اعتباری کامل رژیم آخوندها در افکار عمومی جهان، زمینه علنی شدن همکاری اطلاعاتی و امنیتی میان سرویسهای جاسوسی امپریالیستی و ساواک خمینی وجود ندارد. اما سران رژیم فقها (از جمله رفسنجانی) در مواردی طی ملاقاتهایی که با نمایندگان دولتهای امپریالیستی (بعنوان نمونه آلمان فدرال و فرانسه) داشته اند، پکنه ای کمابیش آشکار خواستار احیای اینگونه همکاریهای اطلاعاتی شده اند. اشاره های رفسنجانی در دیدار چند ماه پیش با هیاتی از آلمان فدرال دایر بر اینکه "ما و شما هر دو با مشکل تروریسم مواجه هستیم" حاکی از این تمایل و خواست رژیم است. فشارهایی که دولت فرانسه اخیراً به سازمانهای سیاسی مترقی ایرانی وارد آورده است، نشان می دهد همکاری در زمینه های اطلاعاتی میان رژیم خمینی و فرانسه نیز دور از انتظار نیست. وقتی دولت فرانسه حاضر باشد به قیمت بی آبرویی و بر ملا شدن ماهیت ادعاهای "آزادیخواهی" خود خواست دیرین جمهوری اسلامی دایر بر محدود کردن اپوزیسیون مترقی ایرانی را برآورده سازد، آیا از قرار دادن اطلاعات در اختیار ساواک خمینی ابایی خواهد داشت؟ اطلاعاتی که امروز، سازمانهای جاسوسی امپریالیستی در باره اپوزیسیون ترقیخواه ایرانی جمع آوری می کنند، کلای گرانیهایی است که در معاملات فردا، قطعاً منظور خواهد شد. کیست که بتواند ادعا کند چنین معاملاتی امروز نیز صورت نمی گیرد؟

بهره گیری از امکانات در دمکراسی بورژوازی تاچه میزان؟

گفتیم که دهها سال مبارزات طبقه کارگر و سایر نیروهای دمکراتیک کشورهای سرمایه داری، حد معینی از آزادیهای سیاسی، اجتماعی و فردی را به بورژوازی حاکم تحمیل کرده است. اما مجموعه این آزادیها که در قالب دمکراسی بورژوازی بصورت نهاد در آمده اند، از آنجا که خارج از چارچوب دیکتاتوری طبقه حاکم - بورژوازی - نیست، محدود و ناپیکر است. بورژوازی و دولت آن، که در هر حال وسیله اعمال اراده طبقه حاکم است، خلع سلاح نشده اند، ابزار

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت آغاز هفتمین سال جنگ "علیه کشتار و قتل عام مردم ایران بیا خیزیم"

بقیه از صفحه اول

مردم مبارز ایران!

اکنون مدتهاست که رژیم خمینی به پست مرکباری در جنگ گرفتار آمده است. جنگ خمینی و صدام بی فرجام است. ادامه جنگ چیزی جز مسابقه جنایت آفرینی خمینی و صدام علیه خلقهای دو کشور نیست. در عین حال ادامه جنگ بحران همه جانبه رژیم خمینی را تشدید کرده و آن را بسوی انفجار پیش می برد. برنده اصلی این جنگ ارتجاعی همانا امپریالیستهای جهانخوار بوده و هستند. امپریالیستها خواهان ادامه این جنگ اند تا هرچه بیشتر خلقهای ایران و عراق تضعیف شوند، تا بازار گسترده تر و سود هرچه بیشتری برای فروش سلاحهای خود به چنگ آورند و مهتر از همه این که به بهانه این جنگ حضور نظامی و دخالت خود را در منطقه افزایش دهند.

مردم ستم دیده و مبارز ایران!

خمینی می خواهد راه رسیدن به امپال پلید خود را با سیل خون و اشک شما بکشد. سال گذشته هزاران تن از فرزندان شما در باتلاقها و شزارهای اینسو و آنسو مرز به خاک و خون کشیده شدند تا گردانندگان رژیم ولایت فقیه بر جنازه های انبوه کشتگان نعره های جنگ جنگ تا پیروزی سر دهند. از آن پس نیز غوغای کشف مجدد "استراتژی" قتل عام "امواج انسانی" در برابر انواع سلاحهای سنگین دشمن را به راه انداخته اند. یار دیگر شیپور تبلیغات دروغین "نبرد آخرین" و "پیروزی نهایی" برای شکار قربانیان تازه جنون جنگ طلبی خمینی، با

شدت بی سابقه ای به صدا در آمده است. اما از آنجا که مقاومت و مبارزه شما کار سوداگران بسیج برای جیبدهای مرک را دشوار ساخته است، اینک فریبکاریهای سران رژیم روز به روز کم اثرتر شده و فشار و ارعاب، دستگیری جوانان و انواع طرحهای اعزام اجباری به مسلخ با شدتی بیش از همیشه براه افتاده است. این تلاشها اجرای یورشهای تازه "استراتژی" کشتار بزرگ "امواج انسانی" را تدارک می بیند. خمینی خیال قتل عام میلیونها نفر دیگر از مردم ایران و نابودی همه هست و نیست کشور ما را دارد.

مردم مبارز ایران!

تنها مقاومت و مبارزه بیکپارچه شما قادر است خمینی را از این جنایات باز دارد. اعتراض و مقاومت توده ای علیه جنگ رژیم را به وحشت انداخته است. خمینی نه فقط در جیبدهای جنگ، بلکه در برابر اعتراضات روز افزون شما خود را در مانده و ناتوان از پیشبرد مقاصد شوم خود می بیند. مبارزه شما علیه جنگ و در راه صلح حلقه مهم مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. این مبارزه را هر چه گسترده تر و یکپارچه تر سازید. در شهر و روستا، کارخانجات و ادارات، مدارس و دانشگاهها، جیبدها و پادگانها، ... در همه جا علیه جنگ و برای صلح تبلیغ کنید و فعالانه در حرکات ضد جنگ شرکت کنید. مانع اعزام فرزندان و عزیزان خود به جیبدهای مرک شوید. با تبلیغات، فشارها و طرحهای اجباری رژیم

برای بسیج نیرو و مقابله کنید. "هفته جنگ" را به هفته مبارزه علیه جنگ بدل سازید. علیه جنگ و برای صلح بیا خیزید.

نیروهای ترقیخواه و صلح طلب ایران!

قطع فوری جنگ و برقراری صلح مهمترین و عاجلترین خواست همه مردم ایران است. همکاری و اتحاد عمل نیروهای ترقیخواه و صلح دوست کشور در مبارزه علیه جنگ و برای برقراری بلادرنک صلح و تظیف بزرگ امروز همه ما در برابر مردم ایران است. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با اطلاعیه ها و فراخوانهای متعدد و تلاش برای سازماندهی هر چه وسیع تر جنبش ضد جنگ در داخل و خارج کشور، همه نیروهای مترقی و صلح دوست کشور را مکررا به اتحاد عمل و همکاری برای مبارزه علیه جنگ و در راه صلح فراخوانده است. اینک نیز در هفتمین سالگرد آغاز جنگ و مرک و ماتم مردم ستم دیده ایران، نیروهای صلح دوست میهن و همه نیروهای سیاسی مترقی جامعه را به عمل مشترک و بسیج همه خلق در راه پایان دادن به جنگ و برقراری صلح فرا می خوانیم. بیا خیزیم، با بسیج همه مردم به کشتار و آتش و خون، به جنگ و رژیم ارتجاعی خمینی پایان بختیم.

زننده باد صلح، مرک بر رژیم جنگ افروز خمینی

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهریور ماه ۱۳۶۵

کمونیستهاست. امروز این یکی از مهمترین عرصه های نبرد ایدئولوژیک مابین نمایندگان بورژوازی و طبقه کارگر کشور است. متأسفانه برخی گروه های چپ نیز با وجود آنکه دائماً از سوسیالیسم، هژمونی پرولتاریا و مقابله با بورژوازی، سخن می گویند، با تاکید بر یک سلسله مطالب یکلی بی اساس و غیر واقعی در مورد رابطه مابین احزاب کمونیست، در عمل خطرات و محدودیت های فعالیت در غرب را از دیده ها پنهان داشته و در این عرصه مهم مبارزه ایدئولوژیک به بورژوازی یاری می رسانند.

از "دمکراسی" از اهمیت ویژه سیاسی برخوردارند.

اپوزیسیون بورژوازی رژیم خمینی - از سلفیت طلبان دو آتش گرفته تا لیبرالهای شاهپرست و "جمهوریخواه" - در یک امر مشترکند، همگی نظام سیاسی "دمکراتیک" بورژوازی را تبلیغ و تقدیس می کنند (هر چند دستان بسیاری از آنها تار مرق به خون مردم و مبارزان علیه رژیم شاه آغشته است). افشای دمکراسی ادعایی بورژوازی و خصلت آن از وظایف خطیر

اعمال دیکتاتوری پیچیده تر شده است.

می توان و باید از امکاناتی کم طی مبارزات طولانی به بورژوازی تحمیل شده است، بهره گرفت. این، کاری است که سازمانهای سیاسی ترقیخواه ایرانی در مهاجرت انجام می دهند. حفظ امنیت مبارزه در عین بلا استفاده نگهداشتن امکانات دمکراسی بورژوازی از اهمیت حیاتی امنیتی و همچنان که یاد آور شدیم، نوم زدایی در رابطه با این نوع

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

خمینی، خامنه‌ای را تهدید کرد

در سالروز کشته شدن رجایی و باهنر، خامنه‌ای رئیس جمهور و موسوی نخست وزیر به همراه هیأت دولت و تنی چند از دیگر مسئولین حکومتی به ملاقات خمینی رفتند. خمینی طی این ملاقات ضمن حمایت از دولت میرحسین موسوی، شدیداً به مخالفین دولت و از جمله شخص خامنه‌ای رئیس جمهور حمله کرد. سخنان شدیدالحن خمینی پاسخی بود به گفتگوی مستقیم تلویزیونی خامنه‌ای که روز ۶ شهریور از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد. در روز ۶ شهریور رادیوی جمهوری اسلامی در اخبار ساعت ۲ بعد از ظهر خود اعلام کرد حجت الاسلام خامنه‌ای شب همان روز در یک گفتگوی مستقیم، نظریات خود را درباره دولت اظهار خواهد داشت. سابقه مخالفت علنی خامنه‌ای با دولت موسوی به یکسال قبل برمی گردد. خامنه‌ای در آن هنگام در سخنرانی انتخاباتی خود برای مقام ریاست جمهوری، همراه با دو کاندیدای دیگر یعنی کاشانی و عسکر ولادی، به حمله به دولت موسوی پرداخت. مخالفت خامنه‌ای با دولت که سرانجام به دخالت مستقیم خمینی در زمینه ابقای دولت موسوی منجر شد، یار دیگر در مراسم سوگند خامنه‌ای در مجلس شورای اسلامی بازتاب یافت. اینک پس از قریب یکسال و بر پستر اوج گیری اختلافات درون حکومتی، گفتگوی مستقیم رئیس جمهور رژیم پیرامون دولت موسوی، موجبات خشم "ولی فقیه" را فراهم کرده است.

خمینی در ملاقات روز ۸ شهریور، تلویحاً خامنه‌ای را متهم به آن کرد که تحت تاثیر مقام و پست خود قرار گرفته است. خمینی در این سخنان چنین اظهار کرد: "تحت تاثیر نفس اماره قرار نگیرید... دولت، دولت خوبی است. ما الان در حال جنگیم و امیدوارم که آقای خامنه‌ای و آقای رفسنجانی در گفتارهایشان همه را نصیحت کنند، که حق است در امور تجدید نظر نکنند و این طور نباشد و همه اش عیب بگویند." خمینی در پایان سخنان خود خطاب به خامنه‌ای گفت: "امیدوارم که دیگر این امور تکرار نشود و امیدوارم که خدا ما را و شما را از لغزش نجات بدهد."

خمینی در سخنان خود بار دیگر به حساس بودن وضع اشاره کرد و از مسئولین مملکتی خواست که مراقب رفتار خود باشند. خمینی گفت: "دستپاhtان و قلم‌هایتان را نگه دارید. ممکن است وضع دیگری پیش بیاید." خمینی تاکید کرد که مسئله، مسئله این نیست که خامنه‌ای رئیس جمهور باشد یا کس دیگری، یا موسوی نخست وزیر باشد یا نباشد، مسئله بر سر حفظ نظام است.

ارز تخصیصی به وزارت صنایع
به یک ششم تنزل کرد

کیهان هوایی ۵ شهریور - چشیدی معاون اقتصادی و بازرگانی وزارت صنایع جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی، به تشریح وضعیت این وزارتخانه پرداخت. وی درباره ارز تخصیصی وزارت صنایع اظهار داشت: "ارز مورد نیاز برای وزارت صنایع که حدود ۸۰ درصد

واحدهای صنعتی کشور را تحت پوشش دارد در شرایط مطلوب بیش از ۵ میلیارد دلار است." نامبرده فاش ساخت که ارز تخصیصی وزارت صنایع در سال جاری به حدود یک ششم ارز مورد نیاز صنایع تنزل کرده و در بهترین حالت از ۹۰۰ میلیون دلار فراتر نخواهد رفت. معاون اقتصادی و بازرگانی وزارت صنایع، حتی از امکان دریافت همین مقدار ارز نیز ابراز عدم اطمینان کرد و گفت: "امیدواریم (این مقدار ارز) در اختیار این وزارتخانه قرار بگیرد."

معاون اقتصادی و بازرگانی وزارت صنایع در ضمن فاش ساخت که طرح اجازه صنایع کشور و همچنین طرح اجازه و فروش "نیروی کار انسانی" به کشورهای خارج نیز جامه عمل پوشیده و در دست اجرا و اقدام است. وی در خصوص این طرح گفت: "از روش‌های پیشنهادی وزارت صنایع یکی دریافت مواد اولیه از کشورهای خارجی در ازای برخورداری آن کشورها از صادرات کالاهای ساخته شده با همین مواد است." چشیدی اعلام کرد که اتاق بازرگانی جمهوری آلمان فدرال و دو انحصار غیر دولتی بلژیک و چند کشور دیگر به این پیشنهاد جمهوری اسلامی پاسخ مثبت داده‌اند.

تراز بازرگانی خارجی
سه ماهه اول سال جاری

کیهان هوایی ۵ شهریور - تراز تطبیقی بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی در سه ماهه اول سال جاری اعلام شد. بر اساس آمار ارائه شده، علی‌رغم تمهیدات به کار بسته شده در راستای افزایش صادرات غیر نفتی، در سه ماهه اول سال جاری، رژیم جمهوری اسلامی در مقابل ۹۴ درصد ارزش کالاهای وارداتی، ۶ درصد کالاهای غیرنفتی صادر کرده است. موازنه پشوت منفی بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی نشانه شکست سیاست رژیم در زمینه تحصیل ارز می‌باشد. باید افزود که رژیم برای تحصیل ارز،

به سیاست صادرات کالاهای مورد نیاز داخل نیز متوسل شده است. در گزارش ارائه شده از سوی گمرک ایران تصریح شده است که در سه ماهه اول سال جاری، رژیم بیش از ۴۵ هزار تن میوه تازه به خارج صادر کرده است. این در حالی است که کمبود میوه و گران‌اشی از عرضه کم آن در بازار داخلی بشدت قابل مشاهده است. در این گزارش، آمار مربوط به خروج و ورود مسافرین بر آن دلالت دارد که در سه ماهه اول سال جاری ۱۰ هزار ایرانی از کشور خارج شده و باز نگشته‌اند.

شرایط ورود و خروج کالاهای توسط مسافرین

مقررات ورود و خروج کالا و ارز توسط مسافرین در سال جاری، از سوی گمرک جمهوری اسلامی به صورت جزوه‌ای منتشر شده است. در چارچوب این مقررات، مسافرین برای ورود و خروج کالا با محدودیت و دشواری‌های بسیاری مواجه خواهند بود و مجبور به پرداخت عوارض سنگینی می‌باشند. مقررات ورود و خروج کالا و ارز که اخیراً از سوی گمرک جمهوری اسلامی به مورد اجرا گذاشته شده است، بازتاب سیاست مالیاتی رژیم در این عرصه تلقی می‌شود. به موجب این مقررات مسافرین حد اکثر تا مبلغ ۵ هزار تومان حق ورود کالا دارند. این کالاهای باید فاقد جنبه تجاری بوده و با لیست "کالاهای مجاز و مشروط مجاز" همخوانی داشته باشند. مسافرین تنها یکبار در سال می‌توانند این مقدار کالا را وارد نمایند. مسافرین در عین حال ناگزیرند در مورد "کالاهای خارج از لیست" و یا کالاهای خارج از حد مجاز ۵ هزار تومان، "حقوق و عوارض گمرکی و دو برابر سود بازرگانی مقرر قابل ترخیص" را بپردازند.

گمرک جمهوری اسلامی خروج بسیاری از کالاهای را مطلقاً ممنوع کرده است. در عین حال مسافرین

بودجه عمرانی در مسلخ جنگ

رادیوی جمهوری اسلامی ۲ شهریور - موسوی نخست وزیر اعلام کرد که دولت تمامی امکانات خود را در اختیار جنگ قرار داده است. نامبرده تاکید کرد که تمام فعالیتهای دولت متاثر از جنگ است و دولت در مورد اعتبارات سایر دستگاههای دولتی بیش از ۶۰۰ میلیارد ریال صرفه جویی کرده است. وی متذکر شده که اعتبارات جنگ هیچگونه تغییری نداشته است. باید خاطر نشان ساخت که رژیم برای تامین ۱۲/۵ درصد افزایش بودجه



جنگ که مصوب لایحه بودجه سال ۶۵ می‌باشد، از بسیاری اعتبارات عمرانی کاسته است. ۶۰۰ میلیارد ریال صرفه جویی مورد اعتراف موسوی، تنها و تنها در بودجه عمرانی صورت پذیرفته است تا به جنگ اختصاص یابد.

عکسی که مشاهده می‌کنید، گوشه‌ای از پایتخت کشور است. جنوب تهران آنجا را که هواپیماهای عراقی ویران نکرده‌اند، رژیم خود نابود می‌کند. ویرانی و محرومیت، ارمان حکومت ولایت فقیه!

مرگ بر خمینی "در اراک"

روز یکشنبه ۵ مرداد در ساعت ۹ صبح یک منطقه صنعتی در شهر اراک مورد بمباران هواپیماهای رژیم چنایکتار عراق قرار گرفت. بر اثر این بمباران که کانون آن کارخانه واگن پارس بود، بر طبق آمار رسمی، ۷۲ کارگر کشته و دهها تن دیگر زخمی شدند. این فاجعه شهر اراک را عزادار ساخت و بر شدت و نفرت مردم این شهر از جنگ افزود.

در هنگام تشییع جنازه کشته شدگان این بمباران که جمع کثیری در آن شرکت کرده بودند، یک مادر داغیده با صدای بلند شروع به شعار دادن علیه خمینی جنگ طلب نمود. مردم عزادار نیز با وی همصدا شدند و شعار "مرگ بر خمینی" سر دادند. پاسداران که شاهد شدت خشم و نفرت مردم بودند، فرار بر قرار ترجیح دادند.

جنون جنایت و مردم آزاری

رژیم جمهوری اسلامی از انعکاس وضعیت زندانیان سیاسی در سطح جامعه و جنایاتی که در مورد آنان اعمال می کند، شدیداً هراس دارد. این امر خود را به شکل هراس از تجمع خانواده های زندانیان سیاسی که برای دیدار عزیزان زندانی شان به شکنجه گاه های رژیم مراجعه می کنند نیز نشان می دهد.

مدتی پیش مسئولین زندان اوین، از خانواده هایی که اجازه ملاقات با بستگان زندانی خویش را می یافتند خواستند که زودتر از ساعت ۷ صبح جلوی زندان نیایند، اما آنان که برای دیدار عزیزان خود روزها دوندگی کرده و انتظار کشیده بودند از صبح زود در جلوی شکنجه گاه اوین حضور می یافتند.

روز ۸ تیرماه زندانبانان رژیم خمینی که از تجمع خانواده های زندانیان به خشم آمده بودند به بهانه ملاقات، آنان را به داخل زندان بردند و همه آن ها پیر و جوان و کودک، را در اطاقی زندانی کرده ساعت ها در راه رویشان بستند. طی این مدت گرمای ملاقات فرسا، توان افراد مسن و بچه ها را رنجیده بود.

هنگام خروج ویاوردن می توانند بیش از ۲۰۰ تومان وجه نقد به همراه داشته باشند. از این پس ورود کالاهایی از قبیل مجلات مد، میوه، دانه، پیاز، گل و دیگر اجزاء نهائی مطلقاً ممنوع بوده و ورود مجله، روزنامه، کتاب، فیلم و وسایل صوتی و دارو منوط به تأشید ارگان های دولتی است. ارگان های دولتی کنترل کننده کالاهای وارداتی فوق الذکر، بسته به نوع کالاهای وارداتی عبارتند از:

— وزارت ارشاد اسلامی؛
— سازمان تبلیغات اسلامی؛
— شرکت مخابرات؛

— وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی؛
طبق مقررات وضع شده از سوی گمرک جمهوری اسلامی، کالاهایی از قبیل لباس، لوازم آرایش و اسباب بازی از جمله کالاهای غیرمجاز محسوب شده و مسافر وارد کننده این کالا ناکزیر به پرداخت عوارض سنگین خواهد بود.

گزارش وزیر ساواک رژیم

رادیوی جمهوری اسلامی ۴ شهریور - ری شهری وزیر ساواک رژیم در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو

شیون کودکان که احتیاج به آب داشتند لحظه ای قطع نمی شد. بالاخره پس از چند ساعت در راباز کرده گفتند چون توجیهی به یخشنامه نکردید شمارا زندانی کردیم. از این پس شدیدتر از این رفتار خواهیم کرد! آن روز زندانبانان رژیم چنایکتار جمهوری اسلامی فقط با خانواده ها چنین رفتاری نداشتند. در داخل زندان نیز اسامی زندانیان را خوانده و آنان را مورد آزار و شکنجه قرار دادند و اعلام کردند چون خانواده های آنان مقررات را رعایت نکردند، شما باید تضرع کنید.

شکست طرح اخراج جمعی کارگران زامیاد

از سوی مدیریت کارخانه زامیاد اسامی ۲۰۰۰ نفر از کارگران جهت اخراج اعلام شد. این کارخانه دارای ۴۰۰۰ کارگر است. این امر با اعتراض شدید کارگران مواجه شد. بدنبال این امر مسئولین مجبور به عقب نشینی شده و طرح اخراج جمعی منتفی اعلام شد. اینک با مشورت حسین کمالی، عضو کمیسیون کار مجلس شورای اسلامی و نماینده "خانه کارگر"، که پس از اعتراض و برای فریب کارگران در کارخانه حضور یافته بود، طرح اخراج کارگران در دسته های ۱۵ - ۱۰ نفری و به بهانه های گوناگون پیش برده می شود.

غارت اجناس مغازه ها

موارد یورش مامورین رژیم به مغازه های فروش لباس، کفشی ها و برخی فروشگاه های دیگر بسیار افزایش یافته است. این موجها که به بهانه غیر شرعی بودن اجناس ارائه شده در این فروشگاه ها صورت می پذیرد هم برای غارت این کالاها و هم برای اخاذی های بعدی تحت عنوان جریمه و غیره صورت می پذیرد. موارد متعددی از غارت اموال مغازه داران از شهرهای رشت، لاهیجان، تهران و ... گزارش شده است. در یکی از این حملات در تهران دو کامیون لباس از بازار کویتی های میدان انقلاب، دو

تنبویزونی اعلام کرد که تشکیلات "داشناک" در اصفهان مورد حمله قرار گرفته و ۱۱ تن از افراد آن دستگیر شده اند. ری شهری علت حمله به داشناکهارا همکاری این جریان با رژیم شاه اعلام کرد. از سوی دیگر وزیر ساواک رژیم مدعی شد عوامل انفجارات اخیر تهران و قم دستگیر شده اند.

وضعیت معادن استان تهران

کیهان هوایی ۵ شهریور - مرتضی سیاسی مدیر کل معادن و فلزات استان تهران در یک مصاحبه مطبوعاتی گزارشی از وضعیت معادن استان تهران ارائه کرد. بر طبق این گزارش، استان تهران با الحاق معادن شهرستان قم، مجموعاً دارای ۲۱۲ معدن است. از ۲۱۲ معدن شناسایی شده استان تهران تنها ۸۱ فقره فعال و دیگر معادن غیر فعال و یا نیمه فعال هستند. مدیر کل معادن و فلزات استان تهران همچنین اعلام کرد که بموازات سیاست رسمی رژیم در واگذاری معادن به بخش خصوصی تنها "در سال گذشته برای ۱۰ فقره از معادن دفترچه شناسایی تهیه و به بخش خصوصی واگذار شده است." رسانه های دولتی رژیم

کامیون از بازار شازده لیزه، و چندین کامیون لباس از منطقه پلاسکو جمع آوری و به غارت برده شد. این امر تولید البسه را با رکود روبرو ساخته است. کارگاه های تولید لباس بخاطر تهدید وزارت ارشاد مبنی بر جمع آوری شابلون ها و ممنوع کردن مارک آنها، از تولید لباس هراس دارند.

این حملات به کفشی های خیابان سعدی، باغ سپهسالار، خیابان جمهوری و سرچشمه نیز صورت گرفته است و گاه به گاه تکرار می شود. از فروشندگان این کفشی ها مطالب هنگفتی بعنوان جریمه اخذ کرده اند. کفشی های مزبور به بهانه "فروش کفش های غیر اسلامی" جریمه شده اند و از آنها خواسته شده است که کفش های غیر اسلامی را جمع آوری کنند و تحویل دهند. تاکنون از ویتیرین ها و داخل این مغازه ها توسط مامورین سپاه و کمیته تعداد بسیار زیادی کفش با همین بهانه ها به غارت رفته است.

تشدید فعالیت های اطلاعاتی رژیم در کارخانه ها

هراس از جنبش کارگری و مبارزات کارگران کشور، رژیم را واداشته است که دائماً فعالیت های اطلاعاتی خود در محیط های کارگری پیفزاید. اخیراً از سوی نخست وزیر نامه ای برای واحدهای تولیدی ارسال شده است که طی آن در زمینه های زیر اطلاعاتی خواسته شده است:

- ۱ - تعداد اخراج ها از بعد از انقلاب.
- ۲ - دلایل اخراج ها؛ وابستگی به گروه های سیاسی، کم کاری، اختلاف با مدیریت، مازاد بودن ...
- ۳ - میزان اعتصابها و اخراج ها از سال ۵۶ به بعد، میزان نفوذ مدیریت در کارگران، میزان نفوذ شورا.
- ۴ - رابطه شورا و مدیریت، رابطه انجمن اسلامی با شورا و مدیریت، میزان نفوذ گروه های سیاسی در کارخانه.

اخباری مبنی بر واگذاری معادن به بخش خصوصی، در دیگر استانهای کشور را نیز بازتاب داده اند.

دوازدهمین نمایشگاه بین المللی تهران

روز ۴ شهریور، دوازدهمین نمایشگاه بین المللی تهران با شرکت ۲۷ کشور خارجی و ۱۰ کمپانی آغاز به کار کرد. در سال جاری کشورهای آلمان، فدرال و انگلستان بزرگترین غرفه های نمایشگاه را به خود اختصاص داده اند. آلمان فدرال محصولات و کالاهای انحصارات کشور خود را در فضای ۲۰۰۰ متر مربعی به نمایش می گذارد. معاون نمایشگاهی مرکز توسعه صادرات ایران اعلام کرده است که هیاتهای اقتصادی ۸ کشور در سطح وزیر برای گسترش مناسبات بازرگانی همزمان با کار نمایشگاه به ایران مسافرت خواهند کرد. مقام نامبرده اسامی این ۸ کشور را اعلام نکرد. دوازدهمین نمایشگاه تهران در فاصله زمانی ۴ تا ۱۴ شهریور ماه دایر است که ۴ روز نخست آن به بازرگانان و پژوهشگران اختصاص دارد.

به سوی بهشت!



کاریکاتوری از یک روزنامه سوئی

در وصف آخوند

صائب تبریزی در قرن یازدهم و در روزگار سلطنت صفویه می زیست. این دوره "عصر طلایی" اقتدار آخوندها و دوره شکل گیری نهایی اشرافیت روحانی در ایران بود. صائب، ابیات نفی در وصف آخوندها و روزگار آخوندپرور خود سروده است. از سروده های او در این زمینه، این ابیات بسیار شنیدنی هستند:

رندی است که اسباب آن آسان ندهد دست
سرمایه تزویر، عصایی وردایی است

تا از این بعد چه از پرده برآید، کامروز
دوربرواری عمامه و قطر شکم است

عقل و فطرت، به جوی نستانند
دور، دور شکم و دستار است

پشه از شب زنده داری خون مردم می مکد
زینهار از زاهد شب زنده دار، اندیشه کن

مخور صائب فریب زاهد از عمامه زاهد
که در گنبد، زیبی مغزی صدا بسیار می پیچد

حکایات و روایات

گئورگ کریستف لیشتنبرگ

(۱۷۹۹-۱۷۴۲)

می ستود. لیشتنبرگ پس از خواندن آن، گفت که به نظر او کتاب خوبی نیست. وقتی همکارش علت را پرسید، لیشتنبرگ گفت "این مهم نیست که خورشید در قلمرو یک امپراتور غروب نکند، مهم آن است که همین خورشید، در گذر خود از فراز قلمرو آن پادشاه، چه چیزها را شاهد باشد."

* * *

لیشتنبرگ از کیش ناپغه پرستی را به در زمان خود، دل خوشی نداشت. وی معتقد بود که این کیش، البته یک کیش است، اما از توابع غیری نیست. از لیشتنبرگ پرسیدند پس چگونه آن همه افراد به نبوغ شهرت پیدا کرده اند. وی پاسخ داد: "به همان دلیلی که هزارها را چنین نام نهاده اند. علتش این است که اکثر افراد نمی توانند تا ۱۴ بشمارند."

* * *

لیشتنبرگ در فاصله ۱۷۷۷ تا ۱۷۹۸، شازیه ای از نقدهایی را که بر آثار ادبی معاصری نوشته شده بود، مطالعه کرد. نتیجه ای که او از این مطالعات گرفت و روی کاغذ آورد، چنین بود: "از بزرگترین اکتشافات عقل بشری در دوره معاصر، کشف هنر اظهار نظر در پاره کتابها بدون خواندن آنهاست."

* * *

استادان دانشگاه کوتینگن، که لیشتنبرگ در آنجا تدریس می کرد، در جمع خود "مردم حقیر"ی را که وسوسه های جسم مانع دستیابی آنها به معارف روح است" به ریشخند گرفته بودند. لیشتنبرگ خطاب به آنان گفت: "قضیه در مورد استادان برعکس است. این جسم نیست که روح آنها را تباه می کند، بلکه روح آنها، جسم مردم را تباه می سازد."

گئورگ کریستف لیشتنبرگ، یکی از مشهورترین نویسندگان، فیزیکدانان و ریاضی دانان آلمانی قرن هجدهم بود. او از مخالفین سرسخت چهل و خرافه پرستی به شمار می رفت. روزی، مهمانی با لیشتنبرگ در باره کتابی که چندی پیش از آن، نشر یافته بود، گفتگو می کرد. او معتقد بود کتاب جدید حاوی "افکار منحرف کننده" در باره دین و سیاست است و از آن گذشته، میان تهی به نظر می رسد. لیشتنبرگ در پاسخ پرسید: "اگر در برخورد یک کتاب با سبک انسان، صدای میان تهی بودن به گوش برسد، اطمینان دارید عیب از کتاب است؟"

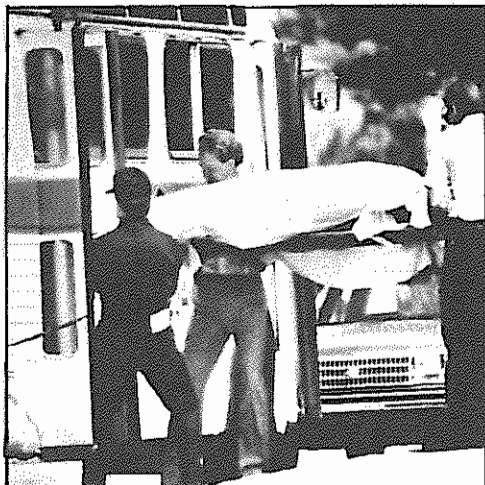
* * *

یکی از دوستان لیشتنبرگ در بازگشت از یک سفر به دور دنیا، مشاهدات خود در باره آداب و رسوم بومیان جزایر نیم کره جنوبی را تشریح می کرد. مکان، این امر را که هنوز آدم خواری رایج است، "تکان همنده" می خواندند. لیشتنبرگ سری تکان داده و گفت: "واقعاً فرهنگ ما در قیاس با آنها پیشرفته است. مگر ممکن است ما یکدیگر را بخوریم؟ ما تنها یکدیگر را ذبح می کنیم."

* * *

لیشتنبرگ از یکی از همکاران خود کتابی دریافت کرد که به دورانی که در امپراطوری اسپانیا خورشید مرکز غروب نمی کرد، مربوط می شد. کتاب، امپراطوری اسپانیا را

ارتش آمریکا قاتل می پرورد



خود، قربانیان نظام ضدبشری سرمایه داری هستند، به کشتارهایی با این ابعاد دست می زنند. در کشوری که شبکه های تلویزیونی و رسانه های گروهی آن، از پام تا شام تبلیغ خشونت و جنایت می کنند، در کشوری که کیش پرستش زور، آئین حکام آن است، در کشوری که ددمشی، "قهرمانی" به حساب می آید، انتظاری جز این نباید داشت که میل به کشتار، خمیرمایه وجود انسان های مفلوکی نظیر "پاتریک شریل" گردد. انسان هایی که هیولای بزرگ سرمایه داری آنها را به هیولاهای کوچک دیوانه مبدل می سازد...

یک سرباز سابق ارتش آمریکا که در ویتنام، آموزش کشتار و جنایت دیده بود، در شهر ادموند ایالت اوکلاهوما آمریکا، ۱۴ نفر را به قتل رساند. وی در اداره پست کار می کرد و همه قربانیان اقدام جنون آمیزش، همکاران او بودند. "پاتریک هنری شریل" که ارتش آمریکا از او یک قاتل ساخت، پس از کشتار فجیع انسان هایی که هر روز در کنارشان کار می کرد، خود را نیز به ضرب گلوله کشت.

این نخستین بار نیست که در ایالات متحده، افرادی که به نوبه

شعر و محاسن ایران

نیما یوشیج

قایق

من چهره‌ام گرفته
من قایم نشسته به خشکی .

باقایم نشسته به خشکی
فریاد می‌زنم :

دوامانده در عذابم انداخته ست
در راه پر مخافت این ساحل خراب
و فاصلست آب
امدادی ای رفیقان با من .

کل کرده است پوزخندشان اما
بر من ،

بر قایم که نه موزون
بر حرف‌ها م درچه ره و رسم
بر التهابم از حد بیرون .

در التهابم از حد بیرون
فریاد بر می‌آید از من :

درد وقت مرگ که با مرگ
جز بیم نیستی و خطر نیست ،
هنزالی و جلالت و غوغای هست و نیست
سپو است و جز به پاس ضرر نیست .

با سپوشان
من سپو می‌خرم
از حرف‌های کاشکن شان
من درد می‌برم
خون از درون دردم سرریز می‌کند!
من آب را چگونه کنم خشک ؟

فریاد می‌زنم .
من چهره‌ام گرفته
من قایم نشسته به خشکی
مقصود من زحرفم معلوم بر شماست :
یکدست بی‌صداست
من ، دست من کمک ز دست شما می‌کند طلب .

فریاد من شکسته اگر در گلو ، و گر
فریاد من رسا
من از برای راه خلاص خود و شما
فریاد می‌زنم .
فریاد می‌زنم !

صمد بهرنگی : نماد تعهد



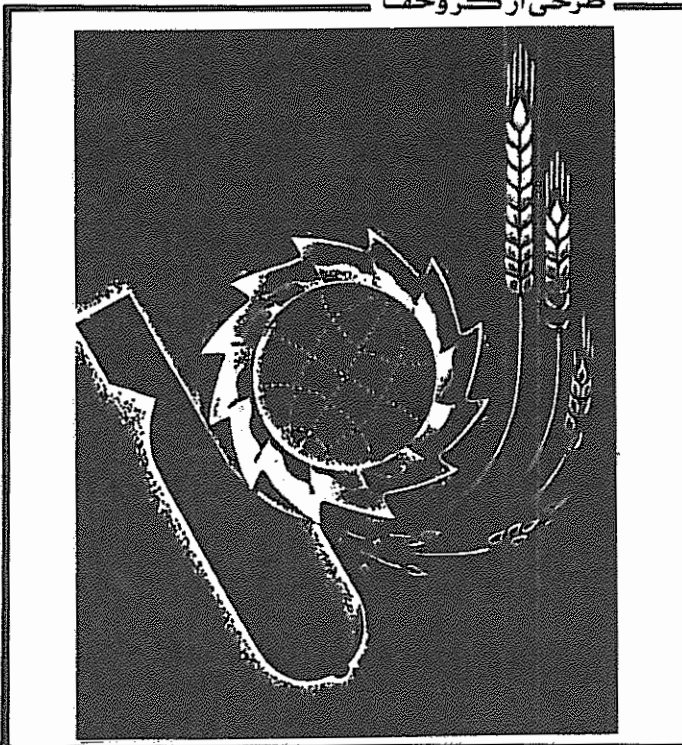
کزی ها و کاستی هان نیست .
چرا که تعهد ، ازدهایی است که
کتر انبساطترین گنج عالم را پاس
می‌دارد ، گنجی که نامش آزادی و حق
حیات ملت هاست !
و این ازدهای پاسدار ، می‌باید
از دسترس مرگ دور یماند تا آن گنج
عظیم را از دسترس تاراجیان دور
بدارد . می‌باید ازدهائی باشد بی مرگ
و بی آشتی ، و بدین سبب می‌باید هزار
سر داشته باشد و و یک سودا . اما اگر
یک سرش باشد و هزار سودا ، چون مرگ
بر او بتازد گنج بی پاسدار می‌ماند .
صمد سری از این هیولا بود .

احمد شاملو
بر گرفته از مقاله "ای کاش این
هیولا هزار سر می‌داشت !" مندرج در
کتاب "از مہتابی به کویچه" -
انتشارات توس - تیر ماه ۵۷

"... آنچه مرگ صمد را تلخ تر
می‌کند از دست رفتن موجودی یگانه
است : مرگی که به راستی ایجاد خلا
می‌کند .
شهری است که ویران می‌شود ، نه
نرو نشستن بامی . باغی است که تاراج
می‌شود ، نه پرپر شدن گلی . چلچراغی
است که در هم می‌شکند ، نه فرومردن
شمعی . و سترگی است که تسلیم می‌شود ،
نه از پادار افتادن مبارزی !
صمد چهره حیرت انگیز
تعهد بود - تعهدی که به حق می‌باید با
مضاف غول و هیولا توصیف شود :
غول تعهد !
هیولای تعهد !

چرا که هیچ چیز در هیچ دور و
زمانه‌ئی همچون "تعهد روشن فکران و
هنرمندان جامعه" خوف انگیز و
آسایش بر هم زن و خانه خراب کن

طرحی از گروخف



گزارش زیر را یکی از گزارشگران نشریه از مشاهدات چند روزه خود در شهر تهران پراهمان ارسال داشته است که بخشهایی از آنرا عیناً به چاپ می‌رسانیم.

"به همراه بچه خردسالم در میدان امام حسین منتظر تاکسی بودم. می‌خواستیم به میدان انقلاب بروم. به خاطر ازدحام جمعیت در صف های اتوبوس و مینی‌بوس تصمیم گرفتم سوار تاکسی شوم. برای هر تاکسی که دست بلند نمی‌خورد، گرمای شدید هوا گریه بچه را در آورده بود. پاک کلافه شده بودم. دل به دریا زدم و پریدم جلو یک تاکسی و گفتم آقا دستم به دامن، بچه ام مریض است! ما را به انقلاب برسان! راننده نکامی از ردلسوزی به من و بچه انداخت و گفت: "سوار شو" راه که افتادیم سر صحبت را باز کردم و گفتم جریان چیه؟ چرا وقتی اسم میدان "انقلاب" می‌آید سوار نمی‌کنید. بالحنی جدی گفت: "صرف نمی‌کنند، لوازم یدکی کیر نمیدانم، سر هیچی جریبه می‌گیرند، کرائی کمرمان را شکسته، ترافیک هم قوزبالاقوز، مگر با این وضع صرف می‌کند آدم از میدان امام حسین به انقلاب برود. گفتم همه اینها درست، اما مردم چه کنایه کرده‌اند که شما سوار نمی‌کنید. گفت مگر ما جزو مردم نیستیم. ما چه تقصیری داریم همه‌اش زیر سر آخوندهاست. یقه آنها را بگیرد. ما هم باشما. به مقصد نزدیک شده بودیم گفتم چقدر خدمتتان بپردازم؟ این بار با لحن صمیمانه‌ای گفت: هر چه دوست داشتی. اصلاً نده. ما پول دوست نیستیم. ما هم زن و بچه داریم. ما هم درد داریم.

* * *

در یک ناحیه از منطقه کاشانک (حوالی شاه آباد سابق)، شهرداری به بساز و بفروش ها و سرمایه داران مجوز پناهی ساختمان دو طبقه داده است. در جوار محلی که مشغول کار بودم مقابله کارش، ساختمان سه طبقه‌ای می‌ساخت. یکی از روزها با زورس شهرداری برای دیدن مجوز ساختمانها به محل آمد. او پس از گفتگو با کارفرمای ما به سراغ ساختمان همسایه رفت. مقابله کار آن ساختمان با دیدن با زورس شهرداری لبخند زنان به استقبالش آمد و پس از سلام و علیک گرم، مشتکی اسکناس درشت در جیب وی گذاشت. با زورس با صدای بلند گفت: "نه! همیشه خلاف قانون اسلام عمل نمی‌کنم. بی جهت اصرار نکنید و ... او پول را پس داد و بدون آنکه مجوز ساختمان را ببیند راهش را کشید

ورفت.

بعد از رفتن با زورس کارفرمای ما به مقابله کار گفت خوب ردش کردی. نه پول گرفت و نه جواز را دید" مقابله کار گفت اشتباه می‌کنی. اینها از ما پوست کلفت تر و قاتل‌ترند. یواشکی گفت: "اینجا خوبیت ندارد و این پول هم کم است. حداقل ۲۰ هزار تومان". باید فردا بروم میدان تجریش و آنجا پول را بپردازم. چند روز بعد هم همان با زورس آمد اما این بار طوری رفتار می‌کرد انگار صاحب ساختمان است.

گشت و گذار در شهر

مشاهدات چند روزه یکی از گزارشگران "اکثریت" در شهر تهران



* * *

اگر صبح‌ها کشتی به دور شهر یزنی در میادین بزرگ و کوچک، سر چهارراهها و مرکز شهر که ما یا انبوهی از کارگران روزمزد، با چهره‌های زرد و تکیده از فشار زندگی که عمدتاً روستاییان مهاجر و حاشیه نشینان شهر هستند، روبرو می‌شوی که در انتظارند تا مقابله کار و صاحب کاری با و انت بار به سراشان بیاید، تا ساعت ۱۰ و ۱۱ به انتظار می‌نشینند و با دیدن اولین وانت به سوی آن هجوم می‌برند. آنان که جوان و قوی میکمل هستند و به مزد کم راضی، سوار می‌شوند و بقیه چشم به راه وانت دیگر می‌مانند. سر آخر نیز به سیکار فروشی، بادکنک فروشی و پلاستیک فروشی پناه می‌برند تا صبح روز بعد.

دیروز وقتی از میدان آریاشهر رد می‌شدم جمعیتی از کارگران بیکار را دیدم که در گوشه‌ای از بلوار میدان به گرد چند جوان که سرگرم کشتی گیری بودند، حلقه زده‌اند. برخی از عابریین با دیدن صحنه می‌ایستادند و

برخی دیگر ناراحت از کنار آن رد می‌شدند. چند دقیقه‌ای تکذشته بود که کشت کمیته از راه رسید و جمعیت را پراکنده کرد. سراغ یکی از جوانانی که جزو کشتی گیران بود، رفتم و پای صحبتش نشستم.

— بچه کجاستی؟

— اطراف خرم آباد.

— برای چه به تهران آمده‌ای؟

— خوب، معلومه برای کار کردن.

— پس اینجا چکار می‌کنی؟

— از ساعت ۴ صبح انتظار کشیدیم اما کسی سراغ ما نپايد.

امکانات باشد ما از آنها تکان نمی‌خوریم.

هنوز صحبت هایم با او تمام نشده بود که به سرعت بطرفی دوید. بعد از چند دقیقه سوار بر وانت دیدمش چهره‌اش شگفته بود. انگار هیکلش چشم صاحب کار را گرفته بود اما فردا چی...؟

* * *

در ایستگاه بعد از میدان راه آهن زنی به همراه بچه‌اش سوار اتوبوس شد و در صندلی خالی کنار من جای گرفت. هنوز اتوبوس از جایش کنده نشده بود که یک "حزب الهی" با صدای بلند داد زد "خجالت نمی‌کشید" مسافرین در چهره همدیگر خیره شدند. در نگاه همه سوالی نقش بسته بود. گمان بردم منظورش من هستم. دستی به سر و صورتم کشیدم، ریشم را تیغ نزده بودم. متعجب شدم به چی ایراد گرفته است. بار دیگر داد "حزب الهی" درآمد: "خانم یا شما هستم خجالت نمی‌کشید در این ماه رمضان قابلمه غذا به دست می‌گیرید و آن را با خود می‌گردانید؟ زن گفت: انتظار داری بچه ۴ ساله در مهد کودک روزه بگیرد. می‌گردانم تا چشمتان کور شود. بگو و مکوی آنان بالا گرفت. مسافرین که ناظر رفتار "حزب الهی" بودند او را چنان هو کردند که در اولین ایستگاه از اتوبوس پیاده شد.

* * *

یک هفته بود گوشت نخورده بودیم. خبر شدم که برای قصابی محل گوشت آمده است. کارم را نیمه کاره گذاشته برای گرفتن سهمیه رامی میدان امام حسین شدم. یا خودم می‌گفتم امروز دیگر به منم می‌رسد. اما وقتی به محوطه قصابی نزدیک شدم جمعیت انبوهی را دیدم که دست خالی و ناراضی دارند بر می‌گردند. از یکی سراغ گوشت یخ زده را گرفتم گفت: گوشت یخ زده هم توزیع نمی‌کنند. گوشت آزاد هم ۱۲۰ تومان. ماندم که چکار کنم. به طرف محل توزیع گوشت ۱۰۵ تومانی که چند روز پیش ۹۵ تومان بود، رفتم. در جلو قصابی صف طولی برپا بود. با ناامیدی به جمع مشتریان پیوستم. زن جوانی که پیش رویم ایستاده بود به خمینی و دولت فحش می‌داد و می‌گفت اینهم شد زندگی. بیاز شده ۲۰ تومان، گوشت ۱۲۰ تومان، سیب زمینی و لوبیا از اینها کرائتر، روغن و برنج هم که گیر نمیداد. مردم باید جمع شوند و با خمینی همان کنند که پاشاه کردند" ●

بولمان دارد ته می‌کشد. به دوستانم گفتم کشتی راه بیاندازیم شاید پولی جمع شود و امروز را گرسنه نمانیم. اما نشد. کمیته چی ما سر رسیدند

— دیروز کاری پیدا کردید؟

— بله. دیروز یک کامیون سیمان

خالی کردیم. کیسه‌هایش ۵۰ کیلویی

بودند. خرج روزمان در آمده بود.

— شب ما چکار می‌کنید؟

— اگر پولی داشتیم به

مسافر خانه می‌رویم و گرنه در پارک

ها، ترمینال ها و خرابه‌های می‌خواهیم.

— اگر چند روز کار گیرتان

نباید چه می‌کنید؟

— وقتی تمام درها به رویمان

بسته شود دزدی می‌کنیم. آخه طاقتمان

حدی دارد.

— بیکاری شما تقصیر کیست؟

— گرچه می‌ترسم به این سوال

جواب بدم ولی می‌گویم. این

آخوندها، آقا همین آخوندها. ما که

بدیخت بودیم اینها بدیخت ترمان

کردند. تا پیاپی حرف یزنی می‌گویند

جنگ است. اگر در همان زمین، آب و

از رنج آنان که جنگ زده ترند

بقیه از صفحه اول



زندگی در زیر چادر. تا کی؟ یک سال گذشت، دو سال گذشت... شش سال گذشت. اما خمینی همچنان بر طبل جنگ می کوبد. زیر هر یک از این چادرها انبوه کینه و نفرت نسبت به خمینی جنگ طلب انباشته گشته است.

محل اسکان آنها مدرسه ای نیست و بینه اقتصادی خانواده اجازه این کار را نمی دهد. خانواده های بی سرپرست وضع دردناکتری دارند. فساد اخلاقی رژیم نیز بر مصائب آنان می افزاید. حکومت، دختران و زنان این خانواده را و می دارد حرفه صیغه شدن را پیش گیرند. این توصیه چندی آور، مرتب از سوی مسئولین بنیاد امور مهاجرین جنگی در مراکز اسکان جنگ زدگان در میان آنان تکرار می گردد.

آنها تجسم جنگند. جنگ زدگان قلبی پر از کینه دارند. کینه نسبت به جنگ و نسبت به خمینی. به هر جا که می روند این پیام را با خود دارند که این است حاصل جنگی که خمینی آن را نعمت عظمی می خواند!

تازه ای را آغاز کنند. اما کدام کار؟ طبق آمار دولتی تا خرداد ۶۲ از میان مجموع بیش از ۲ میلیون آواره تنها ۲۹۹۰۸ نفر شاغل گشته اند (سالنامه آماری ۶۱ منتشر شده در سال ۶۲). از آن هنگام تاکنون، این رقم به دلیل تشدید روند ویرانگری اقتصادی کشور تقلیل یافته است. اکثر قریب به اتفاق آوارگان جنگی چه می کنند؟ دست فروشی. کارهای موقتی و...

فقدان ثبات در نحوه اسکان و مشکل فقر و بیکاری، درد و رنج جنگ زدگان را به حد مهلکی رسانده است. کودکان بسیاری از خانواده های جنگ زده نمی توانند به مدرسه بروند. یا در

سال ۶۴ مبلغ ۶۰ میلیارد ریال برای کمک به جنگ زدگان اختصاص یافته بود که در عمل تنها ۴۰ میلیارد آن در اختیار بنیاد قرار گرفت. در سال ۶۵، به یکباره ۱۶ میلیارد ریال از بودجه کمک به جنگ زدگان زده شد تا خرج تداوم جنگ گردد و بر تعداد جنگ زدگان بیفزاید.

از این مبلغ چه مقدار به دست جنگ زدگان می رسد؟ کیهان ۲۰ مهر ۶۲ این ارقام را در مورد خانواده های بی سرپرست ارائه می دهد: یک نفر ماهانه ۶۰۰۰ ریال، دو نفر ۷۰۰۰ ریال، سه نفر ۸۰۰۰ ریال، چهار نفر ۸۵۰۰ ریال، پنج نفر ۹۰۰۰ ریال، شش نفر ۹۵۰۰ ریال، هفت نفر ۱۰۰۰۰ ریال! یک خانواده بی سرپرست ۷ نفره باید در شرایط فعلی با ۱۰۰ تومان در ماه بسازد. این نهایت

مهاجرین جنگی" بود، گاه باعث شده است که خود مسئولین رژیم در هنگام داغ بودن این بحث، به وضع اسفناک زندگی جنگ زدگان اشاره داشته باشند. یک نماینده مجلس یک بار نحوه اسکان آوارگان را این گونه توصیف کرده بود: "روستائیهایی که به علت جنگ مهاجرت کرده و جنگ زده شدند، یک عده از آنها که در زیر چادرها زندگی می کنند و نمونه آن افرادی هستند که در زیر چادرهایی که در اطراف پهبان و اهواز زده شده و در سخت ترین شرایط زندگی می کنند. نکته مهم این که این شرایط سخت از اول جنگ تاکنون ادامه دارد و طی این مدت ساکنان در شرایط گرما و سرما زندگی کردند، که به علت گرمای شدید خوزستان، فرزندان آنها گرمزده شده و در شرایط سرما مریض



یک آواره جنگی حرکت به سوی سرنوشتی نامعلوم. پیش از آوارگی گرسنه و بی سرپناه بود. آوارگی گرسنه ترش می کند و درمانده ترش

لطف "امام امت" است. برای دریافت این مقرری مختصر نیز کلی شرط و شروط گذاشته اند. در سال ۶۲ صریحا پخشنامه کردند که "هر خانواده ای که یک نفر مشمول داشته باشد و به خدمت نرود، باید مقرری آن را قطع نمود."

بیکاری و درماندگی

جنگ، مساله یک سال و دو سال نبود. یکی دو سال اول به انتظار سپری شد. جنگ خاتمه نیافت. اکنون کار به ۶ سال کشیده است. و خمینی همچنان بر طبل جنگ می کوبد. جنگ زده ها ناچار امیدوار گشت به محل سابق زندگی خود را از دست دادند و تکرش کردند که در شهر و دیار تازه حل شوند، کاری بیابند و زندگی درآورد

شده اند و بر اثر سوء تغذیه و وضع رقت یار بهداشتی، بچه های آنها اسهال می گیرند و با یک اسهال ساده، صدها بچه جنگ زده فوت کردند... عده ای از این روستائیان در اطراف شهر زاغه هایی درست کرده اند، یعنی اگر شما اطراف شهر اهواز را ببینید متوجه می شوید که زاغه هایی درست شده و بعضی از زاغه ها به صورت حلبی آباد در آمده و بعضی از زاغه ها کانتینر است." (اطلاعات ۱۳- آبان ۱۳۶۳)

بود چه ناچیزی که دم پدم آب رفت

بعد از شروع جنگ و تشکیل نهادهای به نام "بنیاد امور مهاجرین جنگی" بود چه ناچیزی به آن اختصاص دادند که سال به سال از میزان آن کاسته شد. به عنوان مثال در بودجه



اینجا منطقه جنگی است. خانه شان ویران گشته است. باید به خیل جنگ زدگان بپیوندند. به کجا بروند؟ کجا سرپناهی بیابند؟ همه جنگ زده اند. در هیچ کجای کشور از جنگ و اثرات آن در امان نیستند.

بقیه از صفحه اول

نوسازی روابط اقتصادی جهانی

هشتمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد نیز مانند کنفرانس‌های پیشین، مسئله ضرورت مبارزه برای نظام اقتصادی عادلانه جهانی را بررسی خواهد کرد. اعضای جنبش که اکثریت قریب به اتفاق آن مادرزمره کشورهای رشديافته اند، تحت فشار اقتصادی امپریالیسم و موسسات مالی وابسته بدان قرار دارند. نگاهی به تلاش‌های غیرمتعهدان در مقابله با این فشارهای افکنیم:

جنبش عدم تعهد، همانگونه که از عنوان آن پیداست، از بطن مبارزه علیه تلاش امپریالیسم به سرکردگی آمریکا برای کشاندن کشورهای رشديافته به بلوک بندی‌های نظامی و برای تحقق اصول همزیستی مسالمت آمیز زاده شد. این مبارزه، محتوای اصلی مرحله نخست رشد جنبش (از پیدایش آن تا اوایل دهه ۷۰) را تشکیل می‌داد. به دنبال پایان دوره جنگ سرد و آغاز روند تنش‌زدایی در اروپا، کشورهای غیرمتعهد نتوانستند تلاش بیشتری بر روی مسائل رشد اقتصادی و اجتماعی خود متمرکز سازند. طرح خواست "نظام نوین اقتصاد جهانی" به آغاز مرحله دوم رشد جنبش عدم تعهد در اوایل دهه هفتاد بازمی‌گردد.

چرخش سیاست امپریالیسم آمریکا به سوی دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی و تشنج‌های جهانی، مقطع آغاز مرحله سوم رشد جنبش غیرمتعهدان محسوب می‌شود. در این مرحله که از اواخر دهه ۷۰ تا کنون ادامه دارد، مبارزه جنبش عدم تعهد، علیه خطر فاجعه جنگ هسته‌ای و برای دفاع از صلح جهانی، اهمیت روزافزونی کسب کرده است. اما میرم‌ترین مسائل اقتصادی کشورهای رشديافته نیز همچنان مورد توجه ویژه جنبش است.

هم‌اکنون یدهی کشورهای در حال رشد به غرب، به هزار میلیارد دلار رسیده است. در حالیکه در سال ۱۹۷۹، این رقم به ۲۰۰ میلیارد دلار بالغ می‌شد. هفت سال پیش، کشورهای در حال توسعه، سالانه ۴۰ میلیارد دلار بابت این یدهی‌ها پرداخت می‌کردند. در حالیکه هم‌اکنون باید سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار از درآمد خود را به این امر اختصاص دهند. از این‌رو، کنفرانس وزرای خارجه جنبش عدم تعهد که در سپتامبر ۱۹۸۵ در لواندا پایتخت آنگولا برگزار شد، اعلام کرد، "بار سنگین یدهی‌های خارجی، تنها یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه یک مسئله مهم سیاسی محسوب می‌شود."

پیشروترین اعضای جنبش عدم تعهد، خواستار شیوه‌های پیگیر مبارزه

با زورکوبی امپریالیست‌ها در این زمینه هستند. کوبا در سال گذشته پیشنهاد کرد کشورهای بدهکار از بازپرداخت وام‌های خود که با بهره‌های سنگین همراه است خودداری کنند.

طرح "برنامه عمل برای همکاری سیاسی و اقتصادی" که از سوی زیمبابوئه به کنفرانس همراه ارائه می‌شود، خواستار حذف "شرایط اضافی" صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در پرداخت وام است. منظور از این "شرایط اضافی"، خواست‌هایی نظیر حذف سوید مواد غذایی و در پیش گرفتن سیاست اقتصادی مطلوب امپریالیست‌هاست که معمولاً موسسات مالی بین‌المللی امپریالیستی مطرح می‌کنند.

پیش‌بینی می‌شود کنفرانس

هشتمین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد



هفتمین کنفرانس غیرمتعهدان در دهلی، فیدل کاسترو کرسی ریاست جنبش را به ایندیرا گاندی واگذار می‌کند

جنبش عدم تعهد در یک نگاه

۱۷ آوریل ۱۹۵۵: در باندونگ (اندونزی) کنفرانسی با شرکت نمایندگان ۲۹ کشور جهان برگزار شد. برای نخستین بار، رهبران کشورهای آزاد شده آسیا و آفریقا گرد هم آمدند.

اول سپتامبر ۱۹۶۱: نخستین کنفرانس غیرمتعهدان در بلغراد و با شرکت ۲۵ کشور برگزار شد.

پنجم اکتبر ۱۹۶۴: در کنفرانس قاهره شمار اعضای جنبش به ۴۶ کشور رسید.

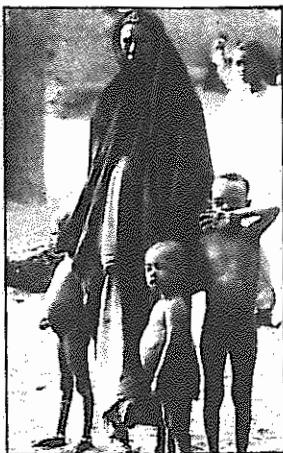
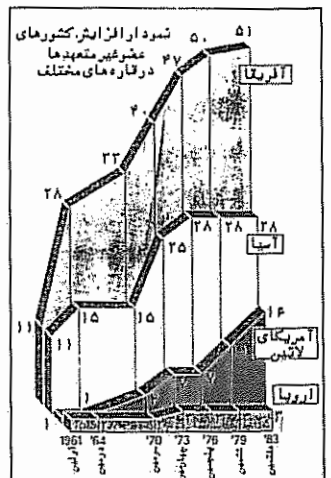
هشتم سپتامبر ۱۹۷۰: لوزاک پایتخت زامبیا میزبان رهبران ۵۴ کشور بود.

پنجم سپتامبر ۱۹۷۳: در اجلاس چهارم در الجزیره ۷۵ کشور شرکت کردند.

۱۶ اوت ۱۹۷۶: ۸۵ کشور به اجلاس سران در کلمبو پایتخت سریلانکا نماینده فرستادند.

سوم سپتامبر ۱۹۷۹: کوبای انقلابی، علی‌رغم همه فشارهای امپریالیست‌ها و دولت‌های مرتجع و محافظه‌کار عضو جنبش عدم تعهد، به مدت سه سال عهده‌دار ریاست آن گردید. ۹۲ کشور در هوانا نماینده داشتند.

هفتم مارس ۱۹۸۳: کنفرانس دهلی با شرکت نمایندگان ۹۹ کشور برگزار گردید.



۵۰۰ میلیون تن در کشورهای رشد یابنده گرسنه‌اند. جنبش عدم تعهد، راه حل مسئله جهانی را مبارزه با نو استعمار می‌داند

همراه، خواهان بهره‌پایین‌تر و مدت بیشتر برای وام‌ها، آزادی بیشتر برای ارائه کالاهای کشورهای رشديافته در بازار کشورهای صنعتی و محدود کردن میزان بازپرداخت سالانه وام‌های کشورهای رشديافته به درصد معینی از درآمدهای صادرات آن‌ها گردد.

تلاش برای پایان دادن جنگ ایران و عراق

از هنگام آغاز جنگ ایران و عراق تاکنون، جنبش عدم تعهد تلاش‌های زیادی برای پایان به‌شدیدن به آن، سازمان داده است. چه در دوره ریاست فیدل کاسترو رهبر کوبا و چه از هنگامی که ایندیرا گاندی و جانشین او، راجیو گاندی عهده‌دار ریاست جنبش غیرمتعهدان شدند، طرفین جنگ، بارها به قطع عملیات جنگی و حل و فصل اختلافات از طریق مذاکره دعوت گردیدند. این فراخوان‌ها به علت با فشاری رژیم خیمینی بر ادامه جنگ بی‌پاسخ مانده‌اند.

در آستانه کنفرانس همراه نیز جمهوری اسلامی فعالیت‌های شدیدی برای جلوگیری از مطرح شدن جنگ ایران و عراق در اجلاس انجام داد. ولایتی وزیر خارجه رژیم به چندین کشور عضو جنبش سفر کرد تا به هر ترتیب که شده است، مانع تلاش این کشورها در جهت بررسی مسئله جنگ در کنفرانس همراه شود. حکومت فقها به خوبی آگاه است در صورت بررسی جنگ ایران و عراق در هر مجمع بین‌المللی، حتی یک کشور هم از مواضع رسوای آن، که چیزی جز جنگ طلبی آشکار نیست، دفاع نخواهد کرد. ینابر این سیاست رژیم، جلوگیری از یخت درباره این جنگ در هر اجلاس بین‌المللی است.

نیرو، در امتداد مرز "نوار امنیتی" تحت اشغال اسرائیل با مناطق تحت کنترل امل و حزب الله در جنوب لبنان مستقر است. حزب الله لبنان چندین بار به مواضع نیروهای سازمان ملل حمله کرده است.

ضیاء الحق:

مخالفتان به سختی مجازات خواهند شد

ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان در بازگشت از سفر حج خود اعلام کرد "آشوبگران" به علت ناآرامی های روز چهاردهم اوت این کشور، "به سختی مجازات خواهند شد". دولت پاکستان هزاران تن از مخالفان دیکتاتوری را تحت عنوان "آشوبگر" بازداشت کرده است. ضیاء الحق همچنین اظهار داشت انتخابات بعدی در پاکستان، در سال ۱۹۹۰ برگزار خواهد گردید. معمدخان چونو نخست وزیر رژیم ضیاء الحق نیز بار دیگر، خواست اپوزیسیون پاکستان مبنی بر انجام انتخابات پارلمانی را رد کرده. افزود دولت وی "اقدام علیه امنیت ملی" را بی پاسخ نخواهد گذاشت.

بدنبال اظهارات ضیاء الحق و چونو، اپوزیسیون پارلمانی پاکستان دعوت چونو برای مذاکره پیرامون اوضاع سیاسی متشنج کشور را رد کرد.



پلیس رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق در حال سرکوب تظاهرکنندگان

اخبار کوتاه

* در مانور مشترک آمریکا و مصر در دریای مدیترانه، ۱۵ هزار سرباز از دو کشور شرکت کردند. ناظران این مانورها را تهدیدی علیه لیبی قلمداد نموده اند.

* بر اثر بیرون آمدن گازهای سمی از شکافی در نجر دریاچه "ینوس" که در یک منطقه آتشفشانی کامرون واقع شده است، نزدیک به ۲ هزار نفر از اهالی روستاهای اطراف این دریاچه کشته شدند.

* گریموونکو، رهبر جبهه دمکراتیک انقلابی السالوادور، اعلام داشت نیروهای رهایی بخش السالوادور معتقدند چشم انداز موفقیت مذاکرات با دولت این کشور چندان امیدبخش نیست، زیرا فرماندهی کل ارتش السالوادور و نیز دولت ریکان که سیاست حکومت السالوادور را تعیین می کنند، حاضر به دست کشیدن از شی سرکوب قهرآمیز مردم و انقلابیون این کشور نیستند.

روژه با موافقت دولت عراق انجام گرفته است.

همچنین ۴۰۰ تن از اهالی روستای کردنشین "بالی" در ترکیه توسط واحدهای ارتش بازداشت شدند. مزدوران رژیم آنکارا محصول کشت روستاییان را به آتش کشیدند.

وزیر اطلاعات ترکیه اعلام کرد در جریان حمله سه هفته پیش نیروی هوایی ترکیه به کردستان عراق، ۲۰۰ تن از ساکنین مناطق کردنشین شمال عراق که وی آن ها را "جدایی طلبان" نامید، کشته شده اند.

حمله حزب الله لبنان به سربازان سازمان ملل

افراد مسلح حزب الله لبنان، نیروی پاسدار صلح سازمان ملل را مورد حمله قرار دادند. این حملات به دنبال درگیری بین سربازان فرانسوی نیروی پاسدار صلح لبنان و اعضای جناح بنیادگرای سازمان امل که متحد "حزب الله" است صورت گرفت. در درگیری سه نفر از اعضای جناح بنیادگرای امل کشته شده بودند. علی حسین سخنگوی سازمان امل لبنان اعلام کرد گروه وی مخالف هر گونه حمله به نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد در لبنان است.

رهبری امل و حزب الله مواضع متفاوتی در قبال نیروی پاسدار صلح سازمان ملل متحد در لبنان دارند. این نیرو بدنبال تصویب قطعنامه شماره ۴۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۷۸ در لبنان مستقر گردید و وظیفه آن، نظارت بر عقب نشینی ارتش اسرائیل از جنوب لبنان بود. همچنین قطعنامه ۴۲۶ شورای امنیت مقرر می دارد نیروی پاسدار صلح، عهده دار وظیفه جلوگیری از درگیریهای مسلحانه در جنوب لبنان است. هم اکنون این

آفریقای جنوبی، حمام خون تازه

هفته گذشته، شهر سیاه پوست نشین سوتو واقع در نزدیکی ژوهانسبورگ، بار دیگر شاهد قتل عام گروهی از مردم توسط پلیس رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بود. مقامات رژیم پرتوریا به کشته شدن ۲۱ تن در جریان یورش افراد پلیس به سوتو اعتراف کرده اند اما به گزارش منابع جبهه متحد دمکراتیک آفریقای جنوبی، شمار قربانیان حوادث هفته گذشته سوتو بیش از این تعداد است.

پلیس وقتی به روی مردم آتش گشود که جوانان سیاه پوست در برابر مزدوران که قصد اخراج اجباری مستأجرین از برخی منازل را داشتند، به مقاومت برخاستند. از دو سال پیش که مقامات رژیم اجازه بها را در سوتو افزایش دادند، ساکنین این شهر به نشانه اعتراض به این اقدام و نیز شرایط غیرانسانی منطقه مسکونی و حضور پلیس و نظامیان در سوتو، از پرداخت اجاره خودداری کرده اند. در حال حاضر، حدود ۲۰۰ هزار خانواده در تحریم پرداخت اجاره شرکت دارند.

اهالی سوتو و به ویژه جوانان، با سنگربندی خیابان ها و پرتاب سنگ، به مقابله با پلیس پرداختند. در نتیجه مقاومت مردم، مقامات رژیم وادار گردیدند حکم تخلیه منازل را پس بگیرند.

یورش مجدد ارتش ترکیه به کردستان عراق

نیروهای ارتش ترکیه با عبور از مرزهای این کشور با عراق، منطقه ای را که اخیراً توسط چکنده های نیروی هوایی ترکیه بمباران شد، مورد حمله قرار داده، ۲۵ تن از ساکنین روستاهای کردنشین عراق را ربودند. رادیو آنکارا اعلام کرد این عملیات دو

حکومت نظامی در بولیوی

در بولیوی دولت دست راستی باز استنسر رئیس جمهور این کشور، پنج شبه گذشته حکومت نظامی اعلام کرده و دستور بازداشت فعالین سندیکیایی و سیاستمداران و روزنامه نگاران چپ را صادر نمود. در میان بازداشت شدگان، نام دو تن از رهبران اتحادیه سندیکیایی بولیوی، وزیر کار دولت ائتلافی پیشین و رئیس سندیکیایی روزنامه نگاران بولیوی دیده می شود.

در روز پنجشنبه، هوپیمایهای نیروی هوایی بولیوی در ارتفاع کمی بر فراز لاپاز پایتخت این کشور پرواز کردند. واحدهای پلیس، دانشگاه لاپاز و ساختمان مقر سندیکیای کارگران معادن را به اشغال خود درآوردند. اعلام حکومت نظامی و بازداشت مخالفان، واکنش دولت بولیوی در برابر دعوت به اعتصاب عمومی بود.

اتحادیه سندیکیای بولیوی تدارک انجام اعتصاب عمومی و سراسری برای استیصال از شرکت کنندگان در راهپیمایی پنج هزار نفره کارگران معادن بولیوی را می دید. قرار بود اعتصاب عمومی جمعه گذشته انجام شود.



لاپاز پایتخت بولیوی، پس از اعلام حکومت نظامی

راهپیمایی کارگران معادن بولیوی، در اعتراض به برنامه دولت برای اخراج ۱۲ هزار کارگر معادن آغاز شد. نیروهای ارتش راهپیمایی را متوقف و شرکت کنندگان در آن را در ۵۰ کیلومتری پایتخت محاصره کردند.

به مناسبت دومین سالگرد شهادت رفیق تقی قانع خشکه بیجاری

"یوسف شرق" در شرق یادها و اندیشه‌ها

با فرا رسیدن شهریور ماه، دو سال از شهادت قهرمانانه فدایی خلق رفیق تقی قانع خشکه بیجاری عضو هیئت اجرایی کمیته ایالتی تهران و کادر توانمند سازمان ما بدست دژخیمان خمینی گذشت.

رفیق تقی شیفته مردم بود. او چونان آفتاب بامدادان، بیداری و روشنایی را به توده‌های رنج و کار هدیه می‌کرد. فروتنی، شکیبایی، نجابت و دلاوری تقی همواره الهام بخش رفیقانش بود و اکنون که رژیم تبهکار خمینی این شقایق گلشن عشق را از آغوش مردم ربوده است، پیمان شکومند او یا خلق‌های میهن را گرامی می‌داریم و راهش را همچنان ادامه می‌دهیم.

حکومت پلید فقها، پناپر سرشتش، انسانی را به خون غرقه ساخت که خون کارگران در رگانش جاری بود و همه وجودش آکنده از مهر و محبت به مردم. دژخیمان، انسانی را به شکنجه‌گاه بردند که در ژرفای چشمانش خورشید آزادی می‌درخشید و در طراوت نگاه دوست‌داشتنی‌اش، زیبایی عشق بود و زندگی بود و بییکار. زندگی را از تقی گرفتند، اما تقی، "یوسف شرق"، خورشیدوار از شرق یادها و اندیشه‌های رفیقانش برخاست، به زندگی ادامه داد و به زندگی ادامه خواهد داد.

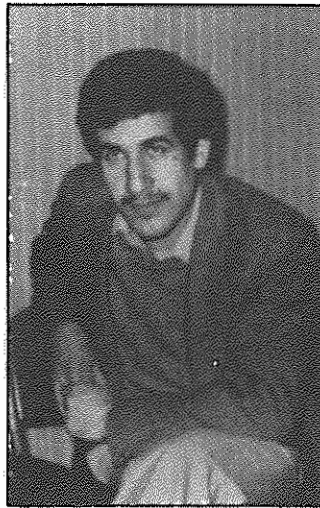
تقی هیچگاه از خود نمی‌گفت. در سالی که دفاعیات دلاورانه شاعر خلق خسرو گل سرخی از تلویزیون رژیم جنایتکار سلطنتی بخش شد، عشق به مبارزه در راه سعادت مردم سوزان‌تر از پیش در جان جوان تقی شعله‌ور شد و در همان روزها بود که بر دروازه دبیرستان آزادگان رشت (شاهپور سابق) شعار "زنده یاد خسرو گل سرخی"، "مرگ پیر شاه" نقش بست. نوشتن این شعار در آن سال‌های هولناک اختناق پلیسی، تأثیری در حد خود چشمگیر بر دانش‌آموزان آگاه نهاد. این شعار را تقی نوشته بود. اما

هیچگاه نه از این کار و نه بسیاری کارهای بزرگتر حتی مدت‌ها پس از سرنگونی رژیم شاه به هم‌زمانش که در سال ۵۱ همراه با وی محفل دانش آموزی فعالی را بنیان نهاده بودند، هیچ نکفت. چرا که فروتنی و تواضع بی‌شائبه‌اش به او اجازه نمی‌داد از خود بگوید.

در دوران انقلاب، رفیق تقی آرام و قرار نداشت. او با کوششی خستگی‌ناپذیر و کینه‌ای بی‌کران علیه ستمگران، در هر کجا که پرچم فریاد توده‌ها به اهتزاز درمی‌آمد، شرکت داشت و مردم را به مبارزه علیه شاه فرا می‌خواند. رفیق قانع در سازماندهی مبارزات مردم و پیویژه در ایجاد تشکلهای دانشجویی حضور موثری داشت. این حضور با پی‌ریزی سازمان دانشجویان پیشکام نمود روشنی یافت و با ایجاد سازمان‌های حزبی فداییان خلق در شرق تهران، جاودانه شد.

تقی تا پیش از آخرین دستگیری‌اش در تیرماه ۶۲، با عزمی پولادین در راه پیشبرد اهداف فداییان خلق رمید و با درکی عمیق از مفهوم مبارزه، آگاهانه در ارتقای روحیه مبارزاتی بارانش کوشید. حکومت ضد مردمی خمینی در اواخر تابستان ۶۲، این فرزند فداکار خلق را پس از یکسال شکنجه‌های وحشیانه به شهادت رساند. اما رژیم در آستان رازداری، پایمردی و قهرمانی‌اش، ریشه‌های مرک را در سراپای وجود ننکین خود احساس کرد.

رفیق تقی سرافراز تا به آخر به آرمان طبقه کارگر وفادار ماند و رهسپار قله‌های جاودانگی تاریخ شد. فردا که حیات ننکین حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی بدست توانای کارگران و زحمتکشان، پایان یابد و شمیم شادمانی و بهروزی سراسر میهن ما را عطر آگین کند، یاد عزیز او و همه چنانباختگان خلق آذین بهارهای خواهد بود.



فرزانه مرد

دریدند

دریدند تبهکاران

سینه فرزانه مرد شرقی را.

تند باد مرگ وزید

خون از اقی فرو یارید

و خورشید شامگاهان

"یوسف شرق" را در آغوش کشید.

فرزانه مرد!
در تهاجم زخم‌های سوزان
شکوه آرمانت خروشید
ستاره آینده
در چشمانت درخشید
و ترانه پیوند
در لرزش اسارتگاه
بر قلب اسیران پوسه زد.

اینک نگاه کن!
در انبوه سپاه زحمت!
آن شکوفه عشق توست
که از دوش کارگران
عطر بهار را می‌افشانند
و ننکین شبنم هایش را
به لبخند شهد آگین میهن

هدیه می‌کند.

کیل‌راد

اردیبهشت ۶۴

* رفیق تقی قانع خشکه بیجاری
(یوسف) از آن جهت که در تشکیلات
شرق تهران فعالیت می‌کرد، به
"یوسف شرق" شهرت داشت.

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده
و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراک نشریه "کار":	شش ماهه	یک ساله
۱۱ مارك	۱۳ مارك	☐	☐	
۲۱ "	۲۴ "	☐	☐	

اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراک نشریه "اکثريت":	سه ماهه	شش ماهه	یک ساله
۲۷ مارك	۳۰ مارك	☐	☐	☐	
۵۲ "	۵۸ "	☐	☐	☐	
۱۰۲ "	۱۱۵ "	☐	☐	☐	

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

AKSARIYAT
NO. 122
MONDAY SEP 1, 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

کتاب‌های مالی رسیده

رفیقای از وکالوس - فرانسه	۱۰۰ فرانک
رفقای "ن" از فرانسه	۱۲۲ فرانک و ۱۴۰۰ ریال
سحر از فلوریدا - آمریکا	۸۰ دلار
بهار از واشنگتن دی. سی - آمریکا	۱۵۰ دلار
برای خانواده زندانیان سیاسی	۲۴۰۰ دلار
پوبیان مالگو - سوئد	۵۰ کرون
رفیق "د" از کلن - آلمان فدرال	۱۵ مارك